

## عنوان مقاله:

روایت پدیدارشناسانه فقرای نامرئی از فقر

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره 24، شماره 62 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 37

## نویسندگان:

محمد عباس زاده - استاد جامعه شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. [adeh2014@gmail.com](mailto:adeh2014@gmail.com)

میرداود هاشمی - دانشجوی دکتری جامعه شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران  
(نویسنده مسئول). [hashemi.davod@yahoo.com](mailto:hashemi.davod@yahoo.com)

## خلاصه مقاله:

فقرای نامرئی حکایت زندگی قشری از افراد تحصیلکرده در محیط های شهری است که معمولا فقیر به نظر نمی رسند. فقرای نامرئی، افرادی هستند که درآمد دارند اما پس انداز ندارند، بقای اقتصادی آن ها سه تا چهار ماه بیشتر نیست؛ این قشر شغل رسمی با حقوق اولیه دارند و ممکن است بیش از یک شغل داشته باشند، آن ها از نظر جغرافیایی شهرنشین هستند، اما در محله های فقیرنشین شهر زندگی نمی کنند. هدف این مطالعه کیفی دستیابی به فهم معنا و برداشت ذهنی مشارکت کنندگان از پدیده فقر بود. جامعه مورد مطالعه پژوهش پیش رو، کارمندان دانشگاه بوده، راهبرد نمونه گیری، نظری و شیوه نمونه گیری هدفمند بوده است. داده ها با فن کدگذاری نظری، تجزیه و تحلیل و درنهایت، پنج مقوله اصلی؛ دفن آرزوها، شرم ساری، داغ ننگ جغرافیایی، رنج مزمن بدنی و فقر در قامت احساس ناتوانی؛ تولید بدن های رام و مطیع به عنوان معنا و مفاهیم فقر ساخته شدند. همچنین درخصوص علل زمینه ای کلان چهار مقوله مفهومی همچون خانواده و شکستن بال پرواز، جامعه پذیری فقر، فقر شبکه ای در حاشیه شهری، دیده نشدن نهادی و درخصوص علل خرد نیز دو مقوله اصلی قفس فولادین فرهنگ فقر و همرنگی با دوستان برساخته شدند.

## کلمات کلیدی:

فقرای نامرئی، تولید بدن های رام و مطیع، جامعه پذیری فقر، داغ ننگ جغرافیایی، دفن آرزوها

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1801688>

